

Theology in Children's Poetry: A Critical Analysis of Theological Representation in Children's Poetry from 1991 to 2021¹



Afsaneh Mousavi Garmaroudi¹  **hmad Khatami²**  **Maryam Jalali³** 

1. PhD student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: agarmaroudi@yahoo.com

2. Professor, Department of Persian Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: a_khatami@sbu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: ma_jalali@sbu.ac.ir

Abstract

Through appropriate poetry on theology, children can take steps toward a proper understanding of God. Such understanding may lead to better religious practice in later stages of life. This study examines poetry written for children's religious education, specifically on theology, over three decades (1991–2021). By comparing the poetic approaches with proper religious educational methods, this research highlights how most poets have drawn on personal experiences in depicting theology, rather than exploring new or appropriate pedagogical approaches. Findings reveal that innate human nature (fitra) and nature as signs of God are the

1. **Cite this article:** Mousavi Garmaroudi, A., Khatami, A., & Jalali, M. (2024). Theology in Children's Poetry: A Critical Analysis of Theological Representation in Children's Poetry from 1991 to 2021. *Islamic Spirituality Studies*, 3(6), pp. 170-206.

<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.71059.1128>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2025/02/09 • **Revised:** 2025/02/20 • **Accepted:** 2025/03/08 • **Published online:** 2025/06/13

© The Authors



dominant themes in these poems. Only a few works demonstrate incorrect theological expressions. Most children's poets focus on emotional and heartfelt depictions of God rather than structured theological instruction. The insights from this research can aid in evaluating and refining the teaching of divine concepts to children. Poets may reassess their works by comparing them with expert-recommended religious education methods, thereby making theological education both enjoyable and meaningful for children.

Keywords

Children's Poetry, Theology, Religious Education.

خداشناسی در شعر کودک (آسیب شناسی شیوه‌های بیان خداشناسی

در شعر کودک در سه دهه ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰)^۱



مریم جلالی^۳

احمد خاتمی^۲

افسانه موسوی گرمارودی^۱

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

Email: agarmaroudi@yahoo.com

۳. استاد، گروه ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: a_khatami@sbu.ac.ir

۴. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: ma_jalali@sbu.ac.ir

چکیده

کودکان به کمک اشعار مناسب با موضوع خداشناسی می‌توانند گامی به سوی شناخت درست خداوند بردارند. با این شناخت می‌توان امیدوار بود که در مراحل بعدی زندگی و در دین‌داری خود نیز بهتر عمل کنند. هدف پژوهش حاضر بررسی اشعاری است که در حوزه تربیت دینی به خصوص در زمینه خداشناسی کودکان سروده شده‌اند. این پژوهش با بررسی سه دهه از اشعار کودک (۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰) در صدد است تا شیوه‌های بیان شده در اشعار را با شیوه‌های درست تربیت دینی مقایسه کند. با انجام این مقایسات دریافتیم که اغلب شعرا از تجربیات خود در موضوع خداشناسی بهره برده‌اند و کم‌تر به دنبال احیای شیوه‌های جدید یا شیوه‌های مناسب در تربیت دینی بوده‌اند. به نحوی به فطرت و نگاه به طبیعت

۱. **استناد به این مقاله:** موسوی گرمارودی، افسانه؛ خاتمی، احمد؛ جلالی، مریم. (۱۴۰۳). خداشناسی در شعر کودک (آسیب‌شناسی شیوه‌های بیان خداشناسی در شعر کودک در سه دهه ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰). معنویت‌پژوهی اسلامی، ۶(۳)، صص ۱۷۰-۲۰۶.

<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.71059.1128>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳



به عنوان نشانه‌هایی از خداوند بیشتر توجه داشته‌اند و تنها در معدودی از اشعار می‌توان گفت راه را اشتباه رفته‌اند. شاعران کودک در اغلب آثار خود به بیان احساسی و دلی درباره خدا بسنده کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در بررسی و بازبینی آموزش مفهوم خدا به کودکان مفید واقع شود. شعرا می‌توانند با بازنگری اشعار خود و مقایسه آن‌ها با روش‌های مطرح شده توسط کارشناسان تربیت دینی، راه‌های آموزش خداشناسی را همراه با تلذذ برای کودکان هموار کنند.

کلیدواژها

شعر کودک، خداشناسی، تربیت دینی، ادبیات دینی.



۱۷۳

خداشناسی در شعر کودک (آسیب‌شناسی شیوه‌های بیان خداشناسی در شعر کودک در سه دهه...)

مقدمه

مبانی دینی و خداشناسی از موضوعات مهم در آموزش کودکان است. یکی از موضوعاتی که بسامد بالایی در آثار شاعران کودک دارد، موضوع خدا یا خداشناسی است. از آنجاکه ادبیات از مهم‌ترین راه‌های کمک به باورهای دینی در کودکان است و می‌توان به وسیله آن مراحل مختلف اعتقادی را در کودکان طی کرد، مورد توجه قرار می‌گیرد. در روایات ما هم توجه به آموزش هرچه زودتر مبانی دینی به کودکان، قبل از آنکه مخالفان بر ما پیشی گیرند، تأکید شده است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۷). بنابراین توجه و نقد این مباحث، ضروری به نظر می‌رسد.

از طرفی، تمام آموزش‌های کودکان در جهت آمادگی آنان برای ورود به زندگی است و اعتقادات نقش مهمی در این مسیر دارند. بنابراین چگونگی ارائه این راه‌ها در نگرش آینده کودکان و آماده‌سازی آنها برای قرار گرفتن در این مسیر بسیار مهم است: «باورهای قلبی نقش مهمی در سبک زندگی دارد و تحقیقات نشان می‌دهند افرادی که اعتقادات محکمی دارند، از زندگی سالم‌تری نیز برخوردارند» (گریوانی، ۱۴۰۰، ص ۲۹).

اما از طرفی به‌خاطر محدودیت‌هایی که در بیان مفاهیم دینی وجود دارد و عدم امکان دخل و تصرف در آنها و محدود بودن آگاهی‌های کودکان، کار در این حوزه بسیار سخت‌تر است (متاجی امیررود، ۱۳۹۶، ص ۴۷). شاید به همین علت، با وجود آنکه در سال‌های اخیر کار در این حوزه بیشتر شده، هنوز پژوهش چشمگیری در نقد آن انجام نشده است؛ در حالی که برای برنامه‌ریزی بهتر لازم است شناخت کامل‌تر و اطلاعات بیشتری نسبت به موضوع و مخاطب داشته باشیم.

بنابراین با تحلیل اشعاری که تاکنون در این موضوع سروده شده است، به این مهم پی می‌بریم که شاعران تا چه اندازه نیازهای مخاطب خود را در نظر گرفته‌اند و تا چه میزان با مبانی تربیت دینی آشنایی داشته‌اند و چه مقدار در ایجاد حس معنوی و خداشناسی در کودکان موفق بوده‌اند. در این مقاله تلاش شده با دسته‌بندی موضوعی و تحلیل آثار کودک در تقویت شیوه‌های مناسب و به‌کارگیری شیوه‌هایی که کمتر به آنها

پرداخته شده گامی مؤثر در بهبود شیوه‌های آموزش خداشناسی به کودک برداشته شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق: با مطالعه شعرهای کودک با موضوع خداوند و

تحلیل محتوایی و شیوه آموزش شناخت خداوند در این اشعار، به درستی یا نادرستی راه‌های رفته پی می‌بریم و با کشف مسیرهای تازه در کلام و شیوه بیان به شناخت خدا در سنین پایین‌تر با توجه به شعر کمک می‌کنیم و از بیان احساسی و غیرقابل درک برای کودکان پرهیز می‌کنیم. در کنار کارهایی که جنبه نظری دارند، پژوهش‌های تحلیلی از این دست ضروری به نظر می‌رسد.

یافته‌های تحقیق: با وجود آنکه شعر قالب بسیار مناسبی در آموزش کودکان

به خصوص مباحث مهمی مثل خداشناسی است، شاعران کودک از راه‌های گوناگونی برای آشنایی مخاطبان بهره نبرده‌اند و اغلب به احساس درونی خود نسبت به خدا اکتفا کرده‌اند. البته هستند شاعرانی که هوشمندانه تجارب خود را به اشتراک گذاشته و تریدها و آشفته‌گی‌های ذهنی خود را در آموزش کودکان به کار نگرفته‌اند. جالب‌تر اینکه شعر بهتر و درخور تأمل‌تری هم ارائه کرده‌اند. اگرچه تجدیدنظر و ارائه راه‌های جدیدتر و مباحثه با کارشناسان تربیت دینی در این مسیر لازم است.

تاریخچه ادبیات دینی: ادبیات دینی کودک مثل ادبیات کودک، پس از

مشروطه و در قرن اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. با مشاهده آثار به‌جامانده از این دوران متوجه می‌شویم که ادبیات کودک بیشتر از امروز در آغاز کار به آموزش مفاهیم اخلاقی و تربیتی که بخش عمده ادبیات دینی ماست، توجه داشته؛ مثل کتاب نصاب الصبیان یا برخی اشعار ایرج میرزا، یحیی دولت‌آبادی، بهار و نیما یوشیج و پس از آنها در آثار باغچه‌بان و یمینی شریف. از طرفی رونق مطبوعات کودک در سده اخیر و ضرورت تنوع آن و اختصاص بخش‌هایی از مجلات به مناسبت‌های دینی و مذهبی، عامل مؤثری در تولید آثاری این‌چنین بوده است. همه این آثار توجه همگان را به تربیت دینی نشان می‌دهد. البته با انقلاب اسلامی، توجه به مضامین دینی و خداشناسی به‌نحوی چشمگیر در اشعار بیشتر شد که در بررسی‌های آماری و موضوعی به‌خوبی قابل مشاهده است.

ادبیات دینی، و آموزش خداشناسی به کودکان

برخی گمان می‌کنند اگر از اخلاق و خدا سخن به میان آورند، حتما اثری دینی از خود بر جای می‌گذارند؛ در صورتی که ادبیات دینی ادبیاتی است که با زمینه ذهنی مذهبی و معتقدات قلبی نسبت به دین خلق شود (اقلیدی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۵۶). رابطه دین و ادبیات یک رابطه مستقیم است؛ دین و ادبیات در نقطه زیبایی به اشتراک می‌رسند؛ چون دین یعنی راه‌هایی که خداوند جهت رسیدن ما به کمال قرار داده و معرفت و کمال از جمال خداوند سرچشمه می‌گیرد. خدا زیبایی مطلق و کمال محض است که در احساس و اندیشه جلوه‌گر می‌شود و ادبیات نیز به معنای تعمق در این احساس است (رحیمیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳). در ادبیات به‌طور کل و در ادبیات کودک به‌طور خاص، اغلب شاعران به دنبال بیان احساسات بوده‌اند. اگرچه گاه به بیان صرف اکتفا کرده‌اند و در صدد ایجاد تعمق در مخاطب نبوده‌اند، اما اثر خلق‌شده مخاطب را به تعمق واداشته است:

... در بیشه سبز/ در کوچ مرغان/ در پیچش رود/ در شعر باران/ هر گوشه دیدم / لطف خدا را (علاء، ۱۳۷۷).

در اشعار کودکانه، شاعر به منزله کسی که بار دیگر به کودکی خود بازمی‌گردد، مفهوم خدا را تبیین می‌کند (رحیمیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶). شعر به مخاطب کودک کمک می‌کند آنچه را خود به تنهایی نمی‌تواند هضم و درک کند به کمک شاعر برای خود قابل فهم کند؛ چراکه کودک از طریق آشنایی با کلمه و استفاده از آن می‌تواند روابط حاکم بین اشیا را بشناسد (قربانی، ۱۳۸۰، ص ۲۲). البته این هنر شاعر کودک است که بین داشته‌های کودک و فضای تعلیمی شعر خود پل بزند و پیام موردنظرش را ارائه دهد. از طرفی «وقتی پیامی مستقیم یا غیرمستقیم و با استفاده از شعر و داستان انتقال داده شود، اما کودک آن را در جریان زندگی خود نبیند و تجربه نکند، نمی‌تواند با آن ارتباط برقرار کند» (شمشیری و نوذری، ۱۳۹۰، ص ۶۵).

اولین وظیفه در آموزش دین شناخت نشانه‌ها و زبان دین است. باید به کودکان

آموخت که دین روش خاصی از تفکر است. شاعر با شعر دینی به کودک کمک می‌کند تا باورهایش بر اعمالش تأثیر گذارند. همچنین توجه او را به عناصر احساسی و عاطفی دین جلب می‌کند. وقتی کودک خدا را انسانی می‌پندارد که در محدوده قوانین دنیای مادی زندگی می‌کند، نمی‌توان از حضور خداوند در همه عالم و مجرد بودنش سخن گفت. باید از ملموسات و عینیات که قابل فهم او است، سخن به میان آورد. باید گام به گام همراهی‌اش کرد تا برای ورود به سطوح بالاتر آماده شود (باهر ۱۳۸۸، ص ۲۳۲).

در واقع وظیفه شاعر کودک کشف حس عرفانی در بچه‌ها و هم‌سو شدن با آنهاست. لازم نیست به کودک نگاه عرفانی را بیاموزیم. برعکس باید این نگاه را از خود کودک یاد بگیریم و در شعر و داستان به او نشان دهیم تا به تدریج آن خدای کودکانه‌ای را که در خودش زندگی می‌کرده و حالا فراموش یا سرکوب یا حذف یا تضعیف شده، بازشناسد (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۴۵). این همان توجه و برگشت به فطرت است. البته اگر نویسنده کودک خود تجربه‌ای از شهود و اتصال نداشته باشد نمی‌تواند چیزی را با کودک سهیم شود. اگر هنرمند استانداردهای یک هنر ناب را رعایت کند و صرفاً به دنبال انتقال مفاهیم دینی، آن هم به زبان تصنعی کودکانه نباشد، در این صورت ادبیات کودک می‌تواند در جریان هویت‌یابی معنوی کودکان نقش داشته باشد (نجاریان و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۱). بنابراین آن دسته از آثار ادبی که مدعی و مؤثر در القای مفهومی دینی (به معنای خاص خود) در مخاطب هستند، یعنی آنهایی که بتوانند بخشی از وظیفه‌ای را که خود دین بر عهده دارد انجام دهند و آدمی را از پلشتی‌ها و پستی‌ها دور و به اوج انسانیت برسانند، ادبیات دینی هستند؛ هرچند در آن به صراحت از آیه و حدیثی استفاده نکرده باشند (اقلیدی، ۱۳۷۸، ص ۵۸).

در این پژوهش، مقصود از ادبیات دینی به‌طور مشخص اشعاری است که درباره خدا و خداشناسی سروده شده‌اند یا شاعر به نحوی در شعر خود از خدا یاد کرده است؛ چون که طرح مفاهیم دینی معلول جوشش درونی نویسنده‌ای است که ادبیات را می‌داند، کودک را می‌شناسد و باورهای دینی را درمی‌یابد.

راه‌های شناخت خدا

نخستین قدم در دین، شناخت خداست (نهج‌البلاغه، خطبه ۱). هدف از آفرینش هم شناخت خداست (طلاق، ۱۲). اما چگونه می‌توان خدا را شناخت و مسیر شناخت او را برای دیگران هموار کرد؟ بهترین راه برای شناخت خداوند الگوگیری از شیوه ائمه اطهار علیهم‌السلام است. برای شناخت خداوند دو راه عقلی و فطری وجود دارد. براساس نگاه معصوم، شناخت خدا از طریق شناخت نفس امکان‌پذیر است: «هرکس خود را بشناسد، قطعاً خدایش را خواهد شناخت» (پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛ به این معنا که با شناخت ویژگی‌های انسان می‌توان ویژگی‌های خدا را هم شناخت؛ چراکه از ممکن بودن و نیازمند بودن او می‌توان به واجب‌الوجود بودن و بی‌نیازی خدا پی برد. بنابراین بهتر است شاعر کودک تلاش کند مخاطبش را ترغیب به شناخت بیشتر خودش کند؛ همان‌طور که امام صادق علیه‌السلام در پاسخ کسی که پرسید چرا خداوند خود را از مردم پوشاند و پیامبران را برایشان فرستاد، فرمودند: «وای بر تو! کسی که قدرتش را در وجود تو نشانت داده چگونه خود را از تو پوشانده؟ تو را که نبودی پدید آورده، کوچک بودی بزرگ کرده، ناتوان بودی توانایت گردانیده...» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۸).

شاعر تنها بخشی از فهم و درک خود را می‌تواند با کودک در میان بگذارد. بنابراین باید به آنها بگوید اگرچه نمی‌داند خداوند چقدر بزرگ است، ولی می‌داند که هیچ چیزی در این عالم، بزرگ‌تر، قوی‌تر و بهتر از او نیست.

در معرفی خدا به کودک باید از تبیین ذات خدا به کودک پرهیز کرد؛ زیرا حقیقت ذات خدا بر ما پوشیده است. باید از صفات خدا و آثارش برای کودکان گفت تا ذهن او را مشوش نکنیم (گريواني، ۱۴۰۰، ص ۶۱).

برای اینکه از خدا سخن بگوییم لازم است زمینه‌ای فراهم کنیم که مخاطب جذب آن گفتار شود. این زمینه فقط در یک فضای محبت و صمیمیت می‌تواند وجود داشته باشد. تأثیر سخن ما بر مخاطب تنها با سخن ما به وجود نمی‌آید؛ یک طرف سخن مخاطبان هستند که باید سخن را بفهمند (مجتهد شبستری، ۱۳۷۸، ص ۶): «شناساندن خدای

قادر و قدرتمند به کودکان، به آنها شجاعت و احساس امنیت می‌دهد. آنها با اعتقاد به وجود چنین حامی نیرومندی، همیشه خدا را حاضر و نزدیک خود خواهند دید» (یاب، ۱۴۰۱، ص ۴۷)؛ هر چند قادر به دیدن او نباشند. برای تبیین این مسئله که خدا را نمی‌توان دید، باید از تجارب کودک در امور نادیدنی کمک گرفت؛ مثل فکر، جریان برق و مانند آن. «از آنجایی که درک عقلانی کودکان بسیار محدود است و تعدادی از آنان هنوز در دوره پیش‌عملیاتی ذهنی به سر می‌برند، احساس و خیال روش‌های طبیعی تحقیق و بررسی برای آنهاست. بیشتر تلاش‌های هوشیارانه را در این آموزش می‌توان از طریق کارهای خلاقانه‌ای صورت داد تا به کمک آن به مذهب نزدیک شوند» (باهنر، ۱۳۹۹، ص ۱۷۱).

یک شاعر خود را موظف می‌داند که از هنر خود بهره بگیرد و با ارائه اندیشه درست به مخاطبش شکر این نعمت را به جا آورد. اگر بتواند به کودک چیزی بیاموزد و درکی ساده از خداوند، اساسی ساده از زیبایی، عشقی به راستی، نیازی به دانستن و تلاشی برای آزاد زیستن را بیدار کند و برانگیزد، رسالت خود را انجام داده است (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۸۲).

حس و نگاه کودک به خدا

«نخست کودکان خدا را با گرایش‌هایی نظیر جاندارپنداری، ساخته‌پنداری و انسان‌پنداری درک می‌کنند و سپس واجد تفکر واقع‌نگر و انتزاعی می‌شوند» (اسکندری، ۱۳۷۳، ص ۸). بنابراین در شکل‌دهی ذهنی آنها باید این دسته‌بندی را در نظر گرفت. آنها ابتدا سؤال می‌کنند که خدا چیست و مثل کیست؛ اما اینکه این سؤال را کودک در چه سنی می‌پرسد، بسیار مهم است و در پاسخ به این سؤال باید به دوره سنی او توجه کرد و متناسب با آن پاسخ داد. اگر در دوره سنی ۳ تا ۶ سال است باید این پاسخ‌ها را به انسان‌انگاری خدا و دارای مکان و قابل رؤیت بودن او معطوف کرد و بیان داشت؛ خدا مثل ما نیست، او دست و پا ندارد، او زندگی می‌کند ولی نه در خانه‌ای مثل خانه‌های ما. اگر در سن ۶ تا ۹ سالگی است، باید پاسخ ما به نفی تصور انسانی با نیروهای فوق‌العاده

یا شباهت او به نور یا شعله آتش سوق پیدا کند؛ اما هیچ‌گاه نباید به مفاهیم انتزاعی روی آورد تا با رشد تفکر او در سطوح بالاتر مفاهیم واقعی را آموزش داد» (باهر، ۱۳۹۹، ص ۱۹۵). این در حالی است که کودکان زیر ۴ سال فاقد هرگونه ذهنیت منسجم از خدا هستند (گریوانی، ۱۴۰۰، ص ۴۹).

- دویدم و دویدم/ به یک کتاب رسیدم/ چه دیدم؟/ یک آسمان فرشته/ چه چیزها دیدم در آن نوشته/ قشنگ بود/ مثل فرشته‌هاش بود/ چه نوری!/ توی نوشته‌هاش بود/ کتاب رو/ گرفتم و وا کردم/ خدا رو/ قشنگ تماشا کردم (مزینانی، ۱۳۸۰).

کودکان زیر دبستان، خدا را مانند یک انسان شبیه ما فرض می‌کنند؛ خدایی که در بهشت سکونت دارد و در آسمان‌هاست و به شکل یک انسان به زمین می‌آید و امور را رتق و فتق می‌کند: «برای کودکان پیش دبستانی، ترس از خدا به عنوان فردی قدرتمند که اعمالش غیرقابل پیش‌بینی است، مطرح است. او ویژگی‌های فیزیکی و قدرتی سحرآمیز دارد که در مقابل اعمال بد و ناپسند خشمگین می‌شود؛ اما بیشتر کودکان خدا را دوست خود می‌دانند. دانش آموزان در سال‌های نخستین دبستان اگرچه براساس علایق انسان‌انگاری، خدا را به عنوان بشری فوق‌العاده تصور می‌کنند؛ ولی برخلاف دوره پیشین اعمال الهی از نظر او غیرقابل پیش‌بینی و بی‌دلیل نیستند» (باهر، ۱۳۹۹، ص ۹۵).

- به نام خداوند رنگین کمان/ خداوند بخشنده مهربان/ خداوند زیبایی و عطر و رنگ/ خداوند پروانه‌های قشنگ... (پوروهاب، ۱۳۷۵).

کودکان دبستانی تلاش می‌کنند خدا را همچون انسان فرض کنند؛ یک انسان خارق‌العاده و اعجاب‌برانگیز. توجیهات آنها گاهی مادی و خام و گاهی فوق‌مادی می‌شود؛ مثلاً گاهی خدا را قابل رؤیت و به شکل آتش، نور و گاهی نامرئی می‌پندارند (گریوانی، ۱۴۰۰، ص ۴۳).

- پیش از اینها فکر می‌کردم خدا/ خانه‌ای دارد میان ابرها/ مثل قصر پادشاه قصه‌ها/ خشتی از الماس و خشتی از طلا/... رعد و برق شب طنین خنده‌اش/ سیل و توفان نعره توفنده‌اش/ دکمه پیراهن او آفتاب/ نقش روی دامن او ماهتاب... (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

- ... گفتی بهار خانوم بیاد/ درختارو بیدار کنه/ دست بکشه روی زمین/ دشتارو سبزه زار کنه (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۴).

«کودکان دبستانی می‌پندارند خدا می‌تواند نسبت به بندگان خود عدالت را اجرا نکند؛ زیرا او هر چیزی را که بخواهد انجام می‌دهد؛ یعنی رفتارش غیرقابل پیش‌بینی و مجازاتش به دلخواه او است» (باهنر، ۱۳۹۹، ص ۹۸).

- تو که خدای دریا/ خدای آسمونی/ یادم دادی که باشم/ بچه مهربونی/ ... حالا که من ندارم/ یه دونه هم کار زشت/ بگو برام بسازن/ یه خونه توی بهشت (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۹).

بنابراین درکی که کودکان از مفهوم خدا دارند، با تحول سنی و شناختی کودکان، رابطه مستقیم دارد (اسکندری، ۱۳۸۲، ص ۸۵). نمونه سؤال‌های کودکان درباره خداوند از این قبیل است که خدا کیست و کجاست، چه کار می‌کند، خدا چه شکلی است، آیا نور است، آیا همیشه بوده، آیا مهربان است و همه ما را آفریده، چه کار کنیم که خدا ما را دوست داشته باشد؟ آیا می‌شود خدا را دید؟ آیا خدا تنهاست؟ خدا کجای آسمان است؟ حیوان‌ها را هم خدا آفریده؟ خدا چگونه همه را می‌بیند؟ بنابراین توقع کودک از شعر درباره خدا شعری است که بتواند به سؤال‌های ذهنی او پاسخ دهد. کودکی که پدر خود را توانمند و پر قدرت می‌داند، وقتی از صفات الهی، از بزرگی و توانایی خدا سخن می‌گوییم، نهایت او را با پدرش هم‌تراز می‌بیند و تصور دیگری از این عظمت ندارد؛ مگر آنکه شاعر کودک هنرمندانه و زیرکانه از همین مثال بهره‌برد و قدرت خداوند را به مراتب فراتر از قدرت پدر بیان کند. تا کودک در این قیاس بتواند تا حدودی به عظمت خداوندی پی‌برد.

سؤالاتی که کودکان درباره خدا دارند، اغلب ماهیتی کلامی و فلسفی دارد که قبلاً به آنها پاسخ داده شده است؛ اما بیشتر پاسخ‌ها انتزاعی هستند که درک آن برای کودکان دشوار است و نمی‌توان مستقیم آنها را در پاسخ به کودکان به کار برد؛ مگر آنکه روش به کاررفته در تفهیم مفهوم انتزاعی صحیح باشد و اصول آن نیز لحاظ شود (داوودی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۱۱).

- ... بدون تو شعر درخت / چه تکراری و کهنه است / ... بدون تو ذهن درخت /
خطوطی کج و درهم است (کشاوری، ۱۳۷۵).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کودکان در درک مفهوم کمال مطلق و کل، مشکل دارند. اگر کودک خداوند را به صورت کمال مطلق بشناسد، بسیاری از افعالی که برای او غیرممکن به نظر می‌رسد، برای خداوند ممکن می‌داند.

- خداجونم بزرگی تو / رو کاغذام جا نمی‌شی / حتی اگه بیان کمک / هزار مداد نقاشی (کشاوری، ۱۳۹۹).

- کیه که توی دنیا / ماهی می‌ده به دریا؟ / برف و تگرگ می‌سازه / درخت و برگ می‌سازه (گروه شاعران، ۱۳۹۱، ص ۲).

البته به مرور و خودبه‌خود به این نتیجه می‌رسد که انسان‌انگاری او از خداوند در تناقض با مطلق بودن صفات کمالی است.

دومین مفهومی که باید کودکان درک کنند وجود مجموع صفات کمالی در خداوند است؛ شناخت اینکه خداوند متعال مفهومی ترکیبی است. جمع کردن صفات مختلف برای خداوند برای کودکان پرسش ایجاد می‌کند؛ چراکه تجربه آنها از انسان‌ها معمولاً محدود بودن صفات خودشان است و قبول کسی با مجموعه صفات برایشان مشکل است (داوودی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵).

- ... فانوس شب‌ها را که آویخت / بر کشتزار آسمان‌ها؟ / می‌دانم آن دست خدا بود / دست خداوند توانا (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

تفهم فراتر از زمان و مکان بودن شیء مجرد (چه مجرد محدود مانند فرشته و چه نامحدود مانند خداوند) به کودکان بسیار مشکل است (رحیمیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹)؛ بنابراین کمتر شاعر و نویسنده کودکی به جز شماری، به پدیده‌های آفرینش پرداخته‌اند؛ در حالی که در آیات قرآن هم ذکر شده: «اوست آنکه آسمان‌ها و زمین را طی شش روز آفرید. آنگاه بر عرش مستقر گشت...» (حدید، ۴). «و اوست آنکه هم در آسمان‌ها معبود است و هم در زمین، و اوست فرزانه دانا» (زخرف، ۸۴).

برخی پژوهش‌گران بدون اشاره به فطرت به تجربیاتی در کودکان در زمینه مفاهیمی

مثل خوبی، راستی و زیبایی اشاره کرده‌اند که خداشناسی او را شکل می‌دهد (باب، ۱۴۰۱، ص ۶۳). آنها معتقدند کودک خدا را در ارتباط با خود و مشکلاتش مهم می‌داند و احساس حضور خدا باعث تقویت وجدان کودکان می‌شود، تا حدی که حتی در نبود والدین خود در مورد تصمیم‌هایی که می‌گیرند و می‌اندیشند، همواره خود را تحت‌نظارت می‌دانند. این همان مسئله فطری بودن خداشناسی و وجود نفس لواحه در انسان است.

— ... به نام او که با دلم / همیشه بوده آشنا / دلم همیشه می‌تپد / به نام دوستم خدا (رحماندوست، ۱۳۹۹، ص ۲۲).

بهترین زمان آموزش مبانی دینی و خداشناسی

در تعالیم دینی ما، برای آموزش کودکان زمان مشخصی بیان شده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «من لم يتعلم في الصغر لم يتقدم في الكبر»؛ هر کس در کودکی تعلیم نبیند، در بزرگی به ارجمندی نمی‌رسد (غررالحکم، ح ۸۹۳۷). تأکیدهای بی‌شمار ائمه معصومان علیهم السلام در احادیث درباره تربیت دینی کودکان از سنین بسیار پایین مؤید این مطلب است. بنابراین دوران کودکی بهترین زمان آموزش مبانی دینی و خداشناسی است. روان‌شناسان هم معتقدند «حس دینی در دوران کودکی زنده‌تر و اصیل‌تر از دوران بعدی رشد است» (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۹). «سال‌های اولیه کودکی فرصتی استثنایی برای ایجاد چارچوبی معنوی در کودک است. در این دوران کودکان بیشترین آمادگی را برای فراگیری اطلاعات مذهبی دارند» (خانی و طامه، ۱۳۹۵، ص ۷۱).

از نظر پیاژه، کودک ۷ ساله (تا ۱۲ سالگی) در مرحله عملیات عینی قرار دارد و می‌تواند اعمال منطقی را انجام دهد، اما هنوز نمی‌تواند درباره مفاهیم انتزاعی بحث کند (گنجی، ۱۴۰۰، ص ۵۸). پیاژه معتقد است کودک زیر ۷ سال به‌طور طبیعی علل وجودی اشیا را در خدا یا بشر به‌عنوان یک موجود روحانی و پر قدرت جستجو می‌کند. پیاژه به دلیل اهمیتی که برای فرآیند شناختی قائل بود، رشد مذهبی را نیز به همان شیوه در نظر می‌گرفت. به عقیده او، کودکان در سال‌های اولیه دبستان نمی‌توانند تصور

درستی از حوادث غیرطبیعی داشته باشند. این کودکان خداشناسی ناپخته‌ای را بیان می‌کنند. یک نیروی جادویی و افسانه‌ای که در کار جهان است. نام این نیرو خدا یا هر مفهومی که تعلیمات مذهبی کودک در اختیار او قرار می‌دهد می‌تواند باشد (خادمی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱).

اما به مرور زمان، نظریه‌های دیگری بر این نظریه چیره شد؛ مثل نظریه گلدمن که معتقد بود مراحل فهم کودکان از تصور خدا یا مفاهیم دینی با کمی تأخیر به مرحله تفکر عینی و انتزاعی می‌رسند؛ چون این مفاهیم انتزاعی مصادیق عینی ندارند و حسی نیستند و علت تأخیر در دستیابی به مراحل تفکر عینی و انتزاعی است و درک مفاهیم دیگر و صفات خداوند در طی سه مرحله پیش‌عملیاتی، عینی و انتزاعی اتفاق می‌افتد (نوذری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷). این در حالی است که کودکان در اوایل دبستان سعی می‌کنند از محدودیت‌های تفکر شهودی رهایی یابند و به مراتبی از تفکر عملیات عینی برسند؛ اگرچه چندان موفق نباشند و اشتباه کنند. اما مفاهیم مذهبی در ذهن آنها کمتر رنگ خیال دارد. پس در بیان برای این مخاطب باید دقت کرد؛ چراکه کودکان از طریق احساس و خیال به درک مفاهیم دینی بهتر نزدیک می‌شوند، نه از طریق عقلی؛ به‌ویژه که هدف عمده تعلیم و تربیت دینی در این سنین جذب کودک به دین است و سپس تعلیم و تربیت (باهنر، ۱۳۸۸، ص ۲۲۶). «کودک با تربیت مناسب بهنجار رشد می‌کند و اگر شرایط محیط سخت‌تر از میزان ظرفیت ذاتی کودک باشد، واکنش او مناسب برای خودشکفتگی نخواهد بود» (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۲۷).

البته که این مسئله، کار را بر شاعر یا فرد بزرگسالی که در پی ارائه و ترویج و آموزش نکات دینی است، سخت‌تر می‌کند؛ چون آنچه کودک می‌گوید یا می‌کند، همان است که از بزرگسالان می‌بیند و می‌شنود. واقع‌نگری اخلاقی خاص کودک است و برخاسته از خودمحوری این دوره است؛ یعنی کودک میان فکر خویش و آنچه از دیگران می‌شنود تفاوتی قائل نمی‌شود. او در اراده بزرگسالان مداخله ذهنی نمی‌کند و می‌داند که آنچه بزرگسالان می‌گویند، معمولاً باید صحیح و قابل قبول باشد (باهنر، ۱۳۹۹، ص ۵۷). از طرفی، «از منظر تفکر اسلامی، شرک به خدا پایه تمام انحرافات است و از نظر

خدا تنها گناه نبخشودنی است. بنابراین خداشناسی باید سرلوحه برنامه تربیتی قرار بگیرد» (گریوانی، ۱۴۰۰، ص ۳۱).

خداشناسی در شعر کودک

خدا در شعر کودک از زوایای مختلفی معرفی شده است؛ گاهی در لفظ با اشاره به نام و صفات خداوند، گاهی به شکلی عاطفی و از راه محبت و شمارش نعمت‌های خدا، گاه از مسیر حسی، مذهبی یا همان راه فطرت، گاهی با معرفی رفتاری و عملی، یعنی اطاعت و عبادت، گاهی هم به شیوه عقلانی و پاسخ به پرسش‌های کودکان درباره خدا (گریوانی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۹). در میان راه‌های بیان‌شده، راه شناخت خدا از طریق فطرت بیشتر مورد استفاده شاعران کودک قرار گرفته است؛ چراکه همه ما به شکلی حسی و درونی با خدا و دین ارتباط و به‌طور ذاتی به‌سوی او تمایل داریم: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: پس روی خود را متوجه آیین خالص خداوند کن، این سرشت الهی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند» (روم، ۳۰). به همین علت، گاهی شاعر کودک در بیان فطری بودن خداشناسی، مخاطب را به درون خود فراخوانده:

– به من آهسته مادر گفت: فرزند/ خدا را در دل خود جوی یک‌چند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۰).

– خدا در دل و جان پاکان بود/ همان جاست یزدان که ایمان بود (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۰).

– نمی‌دانم تو الان در/ دلم یا در آسمان هستی/ فقط من خوب می‌دانم/ که خیلی مهربان هستی (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۷۰).

اما فطری بودن این حس، به این معنا نیست که نیازی به پرورش و تعلیم ندارد؛ این حس مانند تمام ابعاد فطری خلقت بشری نیازمند اغنا، احیا و پرورش برای شکوفایی است تا خاموش نشود؛ و بزرگ‌ترها مسئول حفظ، حراست و تقویت این تمایلات و

پرورش دهنده آنها هستند (باهنر، ۱۳۹۹، ص ۵۳). بنابراین مسئولیت شاعر کودک این است که بتواند این حس را در کودکان با شعر خود بپروراند و تقویت کند. بیان هنرمندانه این حس در شعر همین کار را می‌کند: خدا راز در راز / خدا راز لبخند / همه، هرچه، هر جا / به نام خداوند (رحماندوست، ۱۳۹۹).

با ادبیات، به خصوص شعر می‌توان کودکان را با مفهومی انتزاعی در قالبی که باعث برانگیختگی عاطفی شود، با خدا آشنا کرد. البته تعیین دقیق میزان این آشنایی نیاز به پژوهش و مطالعه مستقیم دارد (شکرالله‌زاده و خوشبخت، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹). مهم است که در شیوه‌های خود برای شناساندن خداوند بازنگری کنیم و بهترین راه و مناسب‌ترین زمان را انتخاب کنیم؛ چون خداشناسی فرایندی است که باید به شکلی تدریجی و در طول دوره رشد برای کودکان اتفاق بیفتد. حتی اگر کودکی در طول رشد خود به‌طور مستقیم چیزی درباره خدا نشنود، از راه مشاهده اعمال والدین و انجام مناسک با خدا آشنا می‌شود (نوذری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱).

- صبح است و آواز مادر / پیچیده در خانه ما / پر می‌کشد با نمازش / تا آبی آسمان‌ها / ... به به چه آرامشی هست / در حرف و در حال مادر / او گرم پرواز خویش است / من هم به دنبال مادر (رحماندوست، ۱۳۷۴).

در میان شاعران کودک، بیش از همه مصطفی رحماندوست با توجه به نماز و عبادت، خدا را به مخاطبانش شناسانده: «آهنگ آواز مادر / هم گرم و هم دلشین است / راز و نیازی که دارد / با خالق خویش این است: / آه ای خداوند یکتا / ما بندگان تو هستیم / تنها تویی یاور ما / تنها تو را می‌پرستیم (رحماندوست، ۱۳۷۴).

در واقع شاعران ما که بیشتر اشعار دینی و خداشناسی آنها برگرفته از احساسات و تجربیات شخصی‌شان بوده، در این زمینه آثار متعددی دارند: دوست دارم پاک باشم / بهتر از گل‌های ناز / صورتم شبنم بگیرد / صبح‌ها وقت نماز (کشاورز، ۱۳۷۵).

شاعر باید خود را به جای کودک بگذارد و از زاویه دید او به مفهوم خدا بیندیشد و تلاش کند مفاهیم دینی را برای کودک ملموس و عینی کند؛ مثلاً خوبی را به روشنایی

تشبیه و از تمثیل‌ها استفاده کند (یاب، ۱۴۰۱، ص ۸۶). شاعر کودک باید به گونه‌ای از این احساس سخن بگوید که ذهن بی‌آلایش کودکان را به شناخت بیشتر زیبایی‌های معنوی پیوند بزند:

- دیدم ز تو صدها نشانه / در چهره زیبای دنیا / دیدم تو را هر لحظه هر جا / آه ای خداوند توانا (ابراهیمی، ۱۳۶۵).

شاعر کودک به ضرورت فهم مخاطب باید بیشتر به بیان صفات خداوند و ستایش او پردازد. گاهی در بیان راه‌های خداشناسی، توجه کودک را به هستی‌شناسی و خودشناسی جلب کند؛ در بعضی اشعار با رویکردی فلسفی خدا را به کودک معرفی کند و در مواردی با رویکردی عرفانی (شکرالله‌زاده و خوشبخت، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹):

- روز و شب هستی تو با من / توی هر چه هست اینجا / من نمی‌دانم چه هستی / هر چه هستی بهتری / من تصاویر عجیبی / از تو توی ذهن دارم / هیچ‌یک مانند تو نیست / واقعاً من شرمسارم (کشاورز، ۱۳۷۷).

شاعر با اینکه احساسات و عواطف خود را منتقل می‌کند، با حس ابهام‌آمیز کودک درباره خدا همراه می‌شود و اطمینانی به مخاطب می‌دهد. او به نحوی سردرگمی خود را در این حواس بیان می‌کند و کمتر در تفکر انتقال یک اندیشه و راه برای شناخت بهتر به مخاطب است. بهره‌گیری از زبان کودکان در افزایش عاطفه و ملموس کردن مفهوم خدا نقش بسزایی دارد. در بعضی موارد اشعار سروده‌شده متناسب با گروه سنی و مراحل رشد شناختی نیست؛ به این معنا که بعضی بالاتر و برخی پایین‌تر از سطح درک کودک است.

- تو خوبی / تو در مشرق و مغربی / در شمال و جنوبی / تو در بوی گل در رگ برگ‌هایی / در آواز زیبای بلبل / تو در هر کجایی (موسوی‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۱۱).

برخی صفات خدا در ادبیات کودک راه نیافته؛ مثل جبار و قهار؛ و صفات جمال خداوند مثل مهربانی و زیبایی و بخشنده‌گی که قابل درک برای کودک است، بسیار کاربرد داشته:

- مهربان‌تر از مادر / مهربان‌تر از بابا / مهربان‌تر از آبی / با تمام ماهی‌ها / ... تو خدا خدا

هستی / مهربان‌ترینی تو (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

- او که بهتر از مادر / مهربان‌تر از باباست / او امید محرومان / او خدای بی‌همتااست

(کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶۶).

اما یکی از مسائلی که در ادبیات دینی با آن مواجهیم، سرسری‌نویسی است که علل مختلفی دارد. از جمله: «پرداختن به موضوعات دم‌دستی، سهل‌انگاری در به‌کارگیری واژه‌ها و جمله‌ها، عدم تحقیقات کافی درباره موضوع، شعارزدگی، کلیشه‌گرایی و مستقیم‌گویی و عدم توجه به تحریف‌ها... (اقلیدی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۵۴). مثل این شعر که شاعر در آن شاپرک را همچون قرآن شعر خدا دانسته است: «پیش چشمان من / شاپرک باز شد / حرف‌های خدا / باز آغاز شد / دیدم آن شاپرک از برای خداست / مثل قرآن پر از شعرهای خداست (مزینانی، ۱۳۷۷، ص ۷)، اما توجه نداشته که قرآن را شعر خدا دانستن، خطای بزرگی است؛ چون «وما هو بقول شاعر» (حافه، ۴۱)، یا «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ: و ما به او شعر نیاموختیم و [شعر‌گویی] شایسته او نیست. کتاب [او] جز مایه یادآوری و قرآنی روشنگر [حقایق] نیست» (یس، ۶۹). اگرچه نگاه شاعر کاملاً شاعرانه بوده است و از این شیوه بیانی قصد جسارتی به ساحت قرآن نداشته، اما باید توجه کرد که در برخی امور دینی جای تسامح حتی برای شاعر وجود ندارد.

خدا را باید با توجه به نیاز کودکان و پرسش‌های او در این باره توضیح داد و بلوغ فکری و درک او را از موضوع مدنظر داشت. برای افراد بالغ می‌توان از لغاتی مثل ازل و ابدی، نامحدود و غیرقابل درک، مقدس و عادل استفاده کرد، ولی در مورد کودکان زیر ۶ سال می‌بایست از لغاتی مثل برای همیشه، بزرگ، قوی و خوب استفاده کرد. کودکان بالاتر از ۶ سال می‌توانند لغاتی چون همیشه، همه‌جا، مافوق، قدرتمند و کامل را درک کنند (یاب، ۱۴۰۱، ص ۲۰): با آنکه تاریک است و شب / اما نترس از دیو و گرگ / زیرا که می‌پاید تو را / هر شب خداوند بزرگ (ابراهیمی، ۱۳۷۸).

ادبیات کودک در بیان دینی گاهی به افراط و تفریط افتاده است. برخی به گمان اینکه با مخاطب کودک مواجه‌اند، نحوه بیانشان به شکلی بوده که مخاطب در فهم دین مشکل پیدا کرده است. برخی هم گمان کرده‌اند وقتی از ادبیات دینی سخن به میان

می‌آید، به‌طور مطلق باید بعد سرگرم‌کنندگی آن را فراموش کنند؛ در حالی که مهم‌ترین ضعف ادبیات دینی آموزشی بودن آن مطرح شده است و ادبیات حتماً باید از لذت‌آفرینی عبور کند؛ زیرا عمل لذت‌بخش نوعی تداوم ایجاد می‌کند و عادت را به وجود می‌آورد؛ اما ادبیات دینی هم مانند بقیه شاخه‌های ادبی باید در ذات خود آموزندگی داشته باشد؛ البته نه از طریق تأکیدهای مستقیم (اقلیدی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۶۱). بنابراین شاعر کودک اگرچه در اشعار خود با موضوع خدا درصدد یافتن راهی برای شناساندن خداوند است و مخاطب خود را ترغیب به شناخت از راه‌های مختلف می‌کند، باید مراقب باشد از مبانی دینی فراتر نرود و در بیان احساسات شخصی خود حد‌نگه دارد: تو از شکاف صخره‌ها/ به من نگاه می‌کنی/ و با اشاره‌ای مرا/ گل و گیاه می‌کنی/ ... تو کیستی؟ پرنده‌ای/ به روی شانه‌های من/ همیشه با منی؛ تویی/ خدای من خدای من (مزینانی، ۱۳۷۵).

اگر بتوانیم به‌جای سیراب کردن ذهن کودک، آن را تشنه نگه داریم و به‌جای پاسخ‌دادن، سؤال ایجاد کنیم و با ارائه موقعیت‌های مجهول او را تحریک کنیم، به خلاقیت و بازپروری ذهن او کمک کرده‌ایم (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۳۱). اغلب ما خدا را همان‌طور که خود تصور می‌کنیم به دیگران می‌شناسانیم؛ اما در موضع یک شاعر یا یک مربی ضرورت دارد راه‌های مختلف شناساندن خداوند را ابتدا خود بیاموزیم، سپس در تدارک پیدا کردن الفاظ مناسب و بیان گویا برای مخاطب باشیم. البته نباید فراموش کنیم با مخاطبی مواجهیم که ذهن صاف و بی‌آلایشش با تک‌تک کلمات نقش می‌گیرد. بنابراین باید در انتخاب کلمات دقت کنیم. اغلب شعرا تلاش می‌کنند از زاویه دید خود به ماجرا نگاه کنند. «در اشعار کودک همیشه تصور خود کودک مطرح نیست؛ بلکه در پاره‌ای موارد هدف صرفاً آموزش مفاهیم دینی است و شاعر یا نویسنده به‌منزله کسی که بار دیگر به کودکی خود بازمی‌گردد مفهوم خدا را تبیین می‌کند» (رحیمیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶): دلم می‌خواد شکل تو رو/ همه بتونن ببینن/ خدا جونم بزرگی تو/ رو کاغذام جا نمی‌شی/ حتی اگه بیان کمک/ هزار مداد نقاشی (کشاورز، ۱۳۹۹، ص ۱۱).

اگر شاعر تلاش کند به نحوی سخن بگوید که مخاطب، خدا را در اثر هنری او کشف کند و از بیانی غیرمستقیم استفاده کند تا کودک، خود به پاسخ دست یابد، هرگز چنین خدایی را فراموش نخواهد کرد (شکرالله‌زاده و خوشبخت، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴). هنر و ادبیاتی که در صدد آموزش ضمنی است و تنها به بیان احساسات خود یا تجارب خود بسنده نمی‌کند، نه تنها ماندگارتر است که رسالت اصلی خود را نیز به سرانجام رسانده است.

«آثار دینی خلق می‌شوند تا وجدان اخلاقی کودک را صیقل دهند و ارزش‌های پایدار انسانی را به او یادآوری کنند تا در سنین نوجوانی که به گزینش و درونی کردن ارزش‌ها روی می‌آورد، با شناخت و آگاهی کامل در انجام این کار موفق شود» (اقلیدی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۶۰).

پس هدف ما از خداشناسی برای کودک تنها شناخت خداوند نیست؛ رشد دینی امری فراتر است. در این فرایند، ایمان و تدین با درک شناخت خدا و اسماء او آغاز می‌شود؛ ولی فرد از این راه به یک نظام اعتقادی دست می‌یابد که مبدأ، معاد و برنامه زندگی را برای او مشخص می‌کند (نوذری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹).

شاعر کودک بیشتر به چه موضوعاتی پرداخته است

همان‌طور که بیان شد، شاعران کودک بیشتر احساسات خود را درباره خداوند مطرح کرده‌اند و کمتر به دنبال آموزش حساب‌شده و روش‌مند برای خداشناسی کودکان بوده‌اند. اما اغلب اشعار دلی آنان موضوعاتی را در بر داشته که تاحدی توانسته ابعاد پیچیده این مهم را در بر گیرد. موضوعات مختلفی مانند:

چیستی و کیستی خداوند: کیه که توی دنیا/ ماهی می‌ده به دریا/ برگ و تگرگ می‌سازه/ درخت و برگ می‌سازه؟/ جواب تو آسونه/ خدای مهربونه/ هر بچه‌ای می‌دونه (کشاورز، ۱۳۷۸).

نعمت‌های خداوند: در دل کوچک خود/ باغی از گل دارم/ توی باغم هر روز/ دانه‌ای می‌کارم/ یک گل از آن گل‌ها/ گلی از مهر خداست/ گل دیگر مادر/ گل دیگر باباست (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۳).

در آسمان بودن خداوند: بارها تو را میان آسمان / دیده‌ام بزرگ و خوب و
مهربان / من همیشه با تو حرف می‌زنم / چون خود تو گفته‌ای مرا بخوان (کیانوش و دیگران،
۱۳۹۲، ص ۶۰).

- یک بادبادک ساختم / با کاغذ و چسب و حصیر / نخ بستم و رنگش زدم / خیلی
قشنگ و بی‌نظیر / یک نامه دادم دست او / گفتم ببر پیش خدا / فوری جوابش را بگیر /
آن وقت برگرد و بیا (کشاورز، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

- ... بهش بگم عزیزم / وقتی می‌ری آسمون {قاصدک} / حرف منو هم ببر / یه بار
پیش خداجون (هاشمی‌پور، ۱۴۰۰، ص ۶).

- دستامو بالا بردم / تا آسمونا بردم / دعام پرید اون بالا / رسید به شهر ابرا (هاشمی،
۱۴۰۰، ص ۶).

تشبیه خدا به نور: دلم بی تو گلخانه‌ای خشک و زرد است / چه تاریک و سرد
است / تو نور دل من / چراغ جهانی (موسوی‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۶).

- خدا در پاکی و نیکی است / فرزند / بود در روشنایی‌ها خداوند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۰).
نشانه‌های خدا در طبیعت: خدا در بوی و رنگ گل نهان است / بهار و باغ و گل
از او نشان است (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۰).

- کیست خاتم کار بال شاپرک / شاعر خوش‌خط و خال شاپرک (کیانوش و دیگران،
۱۳۹۲، ص ۲۳).

- رعد و برق و کوه و دشت / آسمان و ابر و آب / سبزه و گیاه و گل / نور و باد و
آفتاب / می‌خورد به چشم تو / هر چه، هر که، هر کجاست / آفریدگار آن / مهربان خدای
ماست (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۹).

- باز می‌خندد به من / صد بنفشه پای جو / این همه سرسبزی است / هدیه‌ای از سوی
او / او که خیلی مهربان / با من و پروانه‌هاست / غنچه را گل می‌کند / او خدای خوب
ماست (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۵۶).

- وقتی که توی باغم / وقتی که خیلی شادم / وقتی می‌رم می‌شینم / تو سایه درختا / به
یاد تو می‌افتم / به یاد تو خدایا (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص ۱۴).

- دویدم و دویدم/ تا به خدا رسیدم/ نسیم بود/ آمد به خانه ما/ سار شد و/ نشست رو شانه ما/ چشمه بود/ میان صحرا جوشید... (مزینانی، ۱۳۸۰).

فطری بودن خداشناسی: اگرچه اغلب این شعرها به شعرهایی که بیان نعمات خداوندی است نزدیک می‌شود، اما حس فطری خداشناسی را در دل خود پنهان دارد که با ملاحظه طبیعت شگفت‌انگیز خداوند بروز و ظهور پیدا می‌کند: زنبوره صب تا غروب/ پیش گلای نازه/ از شهد گل برامون/ کلی عسل می‌سازه/ خدا رو حس می‌کنم/ با این همه نشونه/ خدا همیشه اینجاست/ خدا چه مهربونه (فرهادی، ۱۴۰۰، ص ۵).

- وقتی که آب پاک چشمه/ در باغ و صحرا گشت جاری/ ... دیدم ز تو صدها نشانه/ در چهره زیبای دنیا/ دیدم تو را هر لحظه هر جا/ آه ای خداوند توانا (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۰).

- در بیشه سبز/ در کوچ مرغان/ در پیچش رود/ در شعر باران/ هر گوشه دیدم/ لطف خدا را/ من دوست دارم/ این آیه‌ها را (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

- باز با باران دلم پر می‌کشد/ سوی دشت و سوی آلاچیق‌ها/ می‌رود تا انتهای آسمان/ می‌رود تا بی‌نهایت تا خدا (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۹۰).

- گفתי که این سنگریزه/ یک آیه از فصل کوه است/ گفתי که آن قله دور/ یعنی خدا باشکوه است (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۹۷).

گاهی غیرمستقیم به نشانه‌های خدا اشاره شده: به نام خدا/ خدای قشنگ/ پر از بو و رنگ... خدای درخت/ درختان سبز/ خداوند فصل/ بهاران سبز (رحماندوست، ۱۳۹۹، ص ۱۰).

قدرت الهی: فانوس شب‌ها را که آویخت/ بر کشتزار آسمان‌ها/ می‌دانم آن دست خدا بود/ دست خداوند توانا (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

- ... بال می‌ده به پرنده/ ماه می‌ده به آسمون/ کار خداست که اینقدر/ بزرگه و مهربون (هاشمی‌پور، ۱۴۰۰، ص ۱۰).

- خدای مهربونم/ مامان می‌گه فقط تو/ می‌تونی جون بدی به/ باغچه توی سال نو (هاشمی‌پور، ۱۴۰۰، ص ۱۴).

ستایش گری و شکرگزاری: باغ در حال قیام/ کوه در حال رکوع/ آفتاب و ماهتاب/ در غروب و در طلوع... (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۵).

- من یک سبد برداشتم/ پر کردم از آن میوه‌ها/ گفتم خدایا باز هم/ من می‌کنم شکر تو را (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۵۵).

- بهار توی حیاطه/ شادی توی دل ماست/ برای شکر خدا/ تموم دستا بالاست (هاشمی‌پور، ۱۴۰۰، ص ۹).

- دوباره دستم شده/ از این همه هدیه پر/ من رو تو آفریدی خداجونم تشکر (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۱۰).

- خداجونم ... دلم می‌خواد صدات کنم همیشه/ از تو تشکر می‌کنم خداجون/ به‌خاطر میوه و برگ و ریشه (هاشمی‌پور، ۱۴۰۰، ص ۲).

حس حضور خداوند: بعد لحظه‌ای خیال می‌کنم/ روبه‌روی من تو ایستاده‌ای/ گوش کرده‌ای به حرف‌های من/ خواهش مرا جواب داده‌ای (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶۰).

خداوند منشأ خوبی: خدایا خدایا تو خوبی تو خوبی/ خدایا جهان را تو خوب آفریدی/ بدی نیست در نفس هستی/ زمین و زمان را تو خوب آفریدی (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۷۶).

- دلت می‌خواد روی زمین همیشه/ غذا برای هر پرنده باشه/ تو گوش اون آدم خوب، تو گفتی/ تو باغچه‌شون دونه برام بپاشه (هاشمی‌پور، ۱۴۰۰، ص ۶).

درخواست کمک از خداوند: خدا خدای خوب من/ خدای گل‌ها و چمن/ می‌خوام برم به باغ گل/ من رو ببر سراغ گل/ راه رو به من نشون بده/ نشونه‌ای از اون بده (فرهادی، ۱۴۰۰، ص ۶).

- خونه من خاکه خودت می‌دونی/ ازت می‌خوام کنار من بمونی (فرهادی، ۱۴۰۰، ص ۱۱).

- گنجشکه باز اومده/ نوک می‌زنه تتق تق/ می‌خواد من رو قورت بده/ مثل یک رشته آش/ خدای مهربونم/ خودت مواظبم باش (هاشمی‌پور، ۱۴۰۰، ص ۱۴).

- کاری بکن تشنه نباشه گلدون/ رودخونه‌ها باشن همیشه خندون (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۳).

- خدا جونم کمک کن / به حرف گل گوش کنم / سلام بدم بخندم / اخم رو فراموش کنم (موسوی زاده، ۱۴۰۰، ص ۸).
- دعا و آرزو:** با این دو دست کوچکم / دست می برم پیش خدا / با دل پاک روشنم / دعا کنم دعا دعا... دعا برای مادرم / دعا به شادی بابا (دولت آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۰).
- خدا کنه که امشب / بارون زیاد نباره / چون بچه گربه جایی / برای خواب نداره (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص ۳).
- شاخه های دست های بچه ها / خشک شد در حسرت یک لقمه نان / ای خدا تقسیم کن لبخند را / در میان بچه های این جهان (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۳).
- من فقط بنده و مطیع توام / ای خداوند قادر و توانا / از ره لطف و مهربانی خود / تو به من راه راستی بنما (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۶).
- صفات خدا (یگانگی):** جهان را تو تنهای تنها / خودت آفریدی / شریکی نداری / تو یکتایی و بهترینی (موسوی زاده، ۱۴۰۰، ص ۱۶).
- اون کیه که همیشه / یکیه دو تا نمی شه... (رحمان دوست، ۱۳۸۶، ص ۲).
- صفات خدا (دانایی):** خودت می دونی که من / چه شکلی ام چه جورم / سیاه یا سبزه هستم / یا که سفید و بورم (فرهادی، ۱۴۰۰، ص ۲۱).
- صفات خداوند (آفرینندگی):** در اغلب اشعار گذشته، شاعران به آفرینندگی خداوند اشاره کرده اند: «پروردگارا، بخشنده پاک / سازنده جان / از گوهر خاک...» (کیانوش، ۱۳۷۰، ص ۲).
- ای خدای ستاره های قشنگ / ای خدای جهان رنگارنگ / ای که ناهید را تو آوردی / ماه و خورشید را تو آوردی / ... برف و باران و گرمی و سردی / همه را ای خدا تو آوردی (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۴).
- سلام خدای مهربون / منم هوای این زمین / فقط تو می بینی من رو / من رو تو ساختی، آفرین (کشاوری ۱۳۹۹ الف، ص ۲۲).
- آسمان دنیا را / تو چشم دریا ریخت / یا خلاصه آن را / توی حوض زیبا ریخت (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۸).

- سبز و بنفش و زرد و سرخ / از همه رنگ شده زمین / دنیا چقدر قشنگ شده / خدا
 جونم صد آفرین (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۴).

- چه موسیقی زیبایی است / صدای جیرجیرک‌ها / همان سازی که آن را ساخت /
 خدای جیرجیرک‌ها (مزینانی، ۱۳۷۷، ص ۳).

صفات خدا (بزرگی): خدا جان بگو / چطور این همه راز را در دلت می‌گذاری
 (موسوی زاده، ۱۴۰۰، ص ۵).

صفات خدا (مراقب بودن): دم سیاهت لب باغچه پیداست / خدا خودش مواظب
 جوچه‌هاست (ماهوتی، ۱۳۸۸، ص ۲۱).

صفات خدا (مهربانی): گاه شاعر با تماشای طبیعت و زیبایی‌های آن به مهربانی خدا
 رسیده است: «هر چیز قشنگ بود و زیبا / در زیر نگاه گرم خورشید / آن روز محبت خدا
 را / می‌شد همه جا به راحتی دید (ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص ۴).

صفات خدا (مسبب بودن): گاه شاعر، برای اینکه مخاطب را به صفت آفرینند گی
 خداوند نزدیک کند، با بیان سببیت خداوند و گاه با دعا شعر را پیش برده است:

- باد و گل و چشمه‌سار و خورشید / گویند که زندگی چه زیباست / هر چیز در این
 جهان زیبا / پرورده خالق تواناست (ابراهیمی، ۱۳۶۵، ص ۷).

- شاخه به نام خدا / رشد کرد آب خورد / دانه بود میوه شد / دانه انجیر شد
 (رحماندوست، ۱۳۹۹، ص ۱۸).

- آگه بارون نباره / خشک می‌شه گل‌دون / خدا جونم کمک کن / بباره بارون (هاشمی،
 ۱۴۰۰، ص ۱۲).

- می‌خندم و سر می‌خورم روی سنگ / مواظبی که حال من بد نشه / وقتی می‌خوابم
 تو یه کاری بکن / تا کوسه از کنار من رد نشه (هاشم‌پور، ۱۴۰۰، ص ۱۱).

- سلام خدای مهربون / من خورشید آسمونم / از اون زمون‌های قدیم / گفتمی
 همین جا بمونم (کشاورز، ۱۳۹۹، الف، ص ۱۴).

- خدا زمین رو / آب‌پاشی کرده / روی زمین رو / نقاشی کرده (ماهوتی، ۱۳۹۶، ص ۳).

گاهی شاعر تلاش کرده سببیت خداوند را ملموس و عینی کند که به نظر می‌رسد

در این حد نیاز نیست: «شاید خدا براشون/ آب می‌ریزه با آب‌پاش». آوردن آب پاش ضروری به نظر نمی‌رسد. به همین دلیل در ادامه و در توجیه آب‌پاش آورده: «همون که بارون می‌شه/ می‌ریزه رو درختاش» (کشاوری، ۱۳۹۹، ص ۱۹)؛ تا آب‌پاش در ذهن مخاطب اختلالی ایجاد نکند و او را به خطا نیندازد.

در شعر دیگری نیز شیوه بیان، مخاطب را آگاه نمی‌کند و ممکن است به خطا بیندازد: «همراه مامان برده‌ام مسجد/ یک سفره نان و سبزی خوش‌بو/ دیدم خدا آنجا کنار ماست/ می‌آید از هر جا صدای او (ماهوتی، ۱۳۹۴، ص ۲۲). درک این شاعرانگی و کلام مجازی برای مخاطب قابل درک نیست.

صفات خدا (پاداش‌دهی): حالا که من ندارم/ یه دونه هم کار زشت/ بگو برام بسازن/ یه خونه توی بهشت (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۹).

خشنودی و عدم خشنودی خدا: دفتر خط‌خورده نیمه‌کاره/ خدا دلش گرفته از ستاره (ماهوتی، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

گاهی شاعر نه تنها از احساسات خود تنها برای شناساندن خدا استفاده کرده که در این بیان نیز با حسی بزرگسالانه پیش رفته و مخاطب و گروه سنی او را فراموش کرده.

حس بزرگسالانه: خداجان سلام/ شب آمد منم/ منم دوست/ که در می‌زنم/ شب است و سکوت/ چه زیباست ماه/ خودت کرده‌ای/ به ماهت نگاه (رحماندوست، ۱۳۹۹، ص ۶).

- خدا راز شب‌ها/ سکوت پر آواز/ نسیم شبانه/ و بوی گل ناز/ خدا راز در راز/ خدا راز لبخند/ همه هر چه هر جا/ به نام خداوند (رحماندوست، ۱۳۹۹، ص ۲۰).

- تو داناترینی/ به نیروی تو این جهان استوار است/ به دانایی‌ات آسمان و زمین برقرار است (موسوی‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۷).

آنچه مسلم است آنکه تمامی این اشعار به فهم بهتر و نزدیک شدن مخاطب به مبانی خداشناسی کمک می‌کند و ما منکر این تأثیر نمی‌توانیم باشیم؛ اما آیا بهتر نیست در ارائه مبانی دینی به خصوص در شناخت خدای یکتا در ادبیات دینی به نحوی عمل کنیم که کودکان در همان سنین اولیه زندگی ارتباط منسجم‌تری با خالق خود پیدا کنند؟ وقتی می‌توان حساب‌شده و اصولی و با استفاده از کتب متعددی که در این حوزه نوشته

شده، یا به کمک استفاده از افرادی که در تربیت دینی کودکان دستی بر آتش دارند این راه را هموارتر کرد، چرا راه‌های رفته را تکرار کنیم؟

نتیجه‌گیری

با بررسی سه دهه از اشعار دینی کودک، به این مهم دست یافتیم که اغلب شعرا از بیان احساسات خود نسبت به خداوند سخن به میان آورده‌اند و کمتر شاعری به دنبال تحقیق و تفحص در تربیت دینی و راه مناسب در بیان اشعار دینی بوده است. شاعران طی سه دهه اگرچه در بیان و زبان شاعرانه و نزدیک به مخاطب تا حدودی موفق عمل کرده‌اند، اما به سؤال‌های ذهنی مخاطب خود درباره خدا پاسخی نداده‌اند یا راهی برای شناخت زودتر و بهتر و مناسب‌تر خداوند در این گروه سنی هموار نکرده‌اند.

نمود شعریایی همچون «پیش از اینها فکر می‌کردم خدا/ خانه‌ای دارد میان ابرها...» (کیانوش و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۲)، یا شعر معروف دولت‌آبادی با مطلع «به مادر گفتم آخر این خدا کیست/ که هم در خانه ما هست و هم نیست» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۰) که با هدف شناسایی خدا به کودکان به شیوه پاسخگویی به تصورات و سؤالات ذهنی آنها سروده شده، نشان‌دهنده این مطلب است که کمتر در این دهه‌ها شاعران به دنبال تعمیق در کار دینی بوده‌اند.

متوجه شدیم در دوره سنی ۳ تا ۶ سال باید پاسخ‌ها را به انسان‌انگاری خدا معطوف کنیم. اگر در سن ۶ تا ۹ سالگی است، پاسخ ما باید به نفی تصور انسانی با نیروهای فوق‌العاده یا شباهت او به نور یا شعله آتش سوق پیدا کند؛ اما هیچ‌گاه نباید به مفاهیم انتزاعی روی آوریم؛ یا اینکه کودکان نمی‌توانند مجموع صفات الهی را کنار هم درک کنند؛ شاعر کودک باید به معدودی از این صفات در یک شعر بسنده کند.

گفتیم ضعف ادبیات دینی آموزشی بودن آن است و ادبیات حتماً باید از در لذت‌آفرینی عبور کند؛ زیرا عمل لذت‌بخش نوعی تداوم ایجاد می‌کند و عادت را به

وجود می‌آورد؛ چراکه هدف ما از خداشناسی برای کودک تنها شناخت خداوند نیست؛ رشد دینی امری فراتر است. در این فرایند، ایمان و تدین با درک شناخت خدا و اسماء او آغاز می‌شود.

همچنین در این پژوهش به این مهم دست یافتیم که بیان شاعرانه شناخت خدا شاید در حس خداشناسی و تقویت آن گامی به جلو بردارد؛ اما با تغییر نسل‌ها نیازمند راه‌های جدید و حساب‌شده دیگر و کمک گرفتن از مربیان تربیت دینی هستیم تا در ذهن کودکان اندیشه درست دینی و خداشناسی را جا بیندازیم.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

*** غرر الحکم ودرر الکلم: مجموعه من کلمات وحکم الإمام علی (ع).

ابراهیمی، جعفر. (۱۳۶۵). باغ سبز شعرها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

ابراهیمی، جعفر. (۱۳۷۲). آب مثل سلام. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

ابراهیمی، جعفر. (۱۳۷۸). خدا چه مهربان است. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و

نوجوانان.

ابراهیمی، جعفر. (۱۳۹۳). تولد قارقارک. تهران: پیدایش.

اسکندری، حسین. (۱۳۷۳). بررسی مفهوم خدا در کودکان ۴ تا ۱۲ ساله. ماهنامه تربیت، (۹۲).

اسکندری، حسین. (۱۳۸۲). خدا به تصور کودکان. موسسه فرهنگی منادی تربیت، (۱).

اقلیدی، محمدابراهیم؛ حمزه زاده، محمد؛ رضاداد، علی رضا؛ سیدی، حسین؛ طاق‌دیس، سوسن؛

قزل‌ایاغ، ثریا؛ محقق، جواد. (۱۳۷۸). پاسخ‌های ۱۰ کارشناس و نویسنده به ۶ پرسش

درباره ادبیات دینی کودکان و نوجوان. فصلنامه پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، (۱۸).

باهنر، ناصر. (۱۳۸۸). تعلیم و تربیت دنیای ناشناخته دینی کودکان. فصلنامه اسلام و

پژوهش‌های تربیتی، ۱(۲).

باهنر، ناصر. (۱۳۹۹). آموزش مفاهیم دینی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

پوروهاب، محمود. (۱۳۷۵). پله پله تا خدا. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.

جلالی، مریم. (۱۴۰۳). ادبیات دینی کودکان و نوجوان؛ نظریه‌ها و کاربردها. تهران: آرون.

حکیمی، محمود؛ کاموس، مهدی. (۱۳۸۲). مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان. تهران: نشر آرون.

خادمی، عزت. (۱۳۷۰). درک کودکان دبستانی از مفاهیم دینی. فصلنامه تعلیم و تربیت

(آموزش و پرورش)، (۲۷-۲۸).

خانی، محمدحسین؛ طامه، بتول. (۱۳۹۵). سبک‌های معنوی کودکان در شناخت خداوند: یک پژوهش کیفی. فصلنامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان دانشگاه علامه طباطبائی، ۲(۵).
داوودی، محمد؛ شعبانی، زهرا؛ شفیع، راهله. (۱۳۹۵). مبانی، اصول و روش‌های پاسخگویی به سؤالات کودکان درباره خداوند. دوفصلنامه علمی-ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۴(۶).

دولت آبادی، پروین. (۱۳۷۷). بر قایق ابرها. شیراز: راهگشا.
رحماندوست، مصطفی. (۱۳۷۴). موسیقی باد. تهران: مدرسه.
رحماندوست، مصطفی. (۱۳۸۶). اون چیه اون کیه. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

رحماندوست، مصطفی. (۱۳۹۹). به نام دوست خدا. تهران: پیدایش.
رحیمیان، سعید؛ جبار، عظیم؛ شکرالله‌زاده، سودابه. (۱۳۸۹). مفهوم کودکان خدا در شعر معاصر ایران و آمریکا. فصلنامه فلسفه دین، ۷(۸).
شکرالله‌زاده، سودابه؛ خوشبخت، فریبا. (۱۳۹۱). بررسی راه‌های خداشناسی در کتاب‌های شعر کودک و نوجوان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷. دوفصلنامه تربیت اسلامی، ۷(۱۵).

شمشیری، بابک؛ نوذری، مرضیه. (۱۳۹۰). آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش‌دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مریدان پیش‌دبستانی. دوفصلنامه تربیت اسلامی، ۶(۱۲).

علاء، افشین. (۱۳۷۷). نسیم دختر باد. تهران: قدیانی.
فرهادی، پیوند. (۱۴۰۰). خدا همیشه این جاست. مشهد: به نشر.
قربانی، جعفر. (۱۳۸۰). مفهوم کودکی در عصر پوئیستیک. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۶.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۹). کودکی باز یافته. تهران: مدرسه.
کشاوری، ناصر. (۱۳۷۵). پله پله تا خدا. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.

- کشاوری، ناصر. (۱۳۷۷). هرچه هستی بهتری. تهران: سروش.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۷۸). سیب جان سلام. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۸۹). مامان چه قدر خوب است. تهران: سوره مهر.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۹۹ «الف»). وقتی می‌شم باد و نسیم. مشهد: به نشر.
- کشاوری، ناصر. (۱۳۹۹ «ب»). خیلی کیف عجیبی ام. مشهد: به نشر.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی. قم: اسوه.
- کیانوش، محمود. (۱۳۷۰). بچه‌های جهان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کیانوش، محمود، مین پور، قیصر؛ رحماندوست، مصطفی؛ شعبان نژاد، افسانه؛ اعلاء، افشین؛ کشاوری، ناصر. (۱۳۹۲). پنجره‌های آسمان. تهران: افق.
- گروه شاعران. (۱۳۹۱). شب آمد و ستاره. تهران: زیتون.
- گریوانی، مسلم. (۱۴۰۰). و خدایی که در این نزدیکی است. قم: بوستان کتاب.
- گنجی، حمزه. (۱۴۰۰). روانشناسی عمومی. تهران: ساوالان.
- ماهوتی، مهری. (۱۳۸۸). این چیه. نسل نو اندیش.
- ماهوتی، مهری. (۱۳۹۴). بچه پیراهن. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ماهوتی، مهری. (۱۳۹۶). خنده ی پله پله. تهران: مدرسه.
- متاجی امیررود، میترا. (۱۳۹۶). خدا در ادبیات منظوم کودک. نوشهر: ناستگ.
- مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۷۸). چگونه می‌توان در جهان معاصر از خدا سخن گفت. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، ۴(۱۷).
- مزیانی، محمد کاظم. (۱۳۷۵). شعرهای ناتمام. تهران: حوزه هنری.
- مزیانی، محمد کاظم. (۱۳۷۷). خدای جیرجیرک‌ها. تهران: پیدایش.
- مزیانی، محمد کاظم. (۱۳۸۰). دویدم و دویدم تا خدا. تهران: منادی تربیت.
- موسوی‌زاده، سعیده. (۱۴۰۰). مرا مثل یک ابر بالا ببر. مشهد: به نشر.

نجاریان، محمدرضا؛ پریان، مجید؛ قانع، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی نقش ادبیات معنوی کودک در جریان هویت‌یابی کودکان. هسته مطالعات ادبی و متن‌پژوهی: هفتمین همایش ملی متن‌پژوهی.

نوذری، محمود. (۱۳۹۰). آموزش دین در دوره کودکی: ارزیابی انتقادی رویکرد روان‌شناختی. دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، ۶(۱۳).

هاشم‌پور، مریم. (۱۴۰۰). خدا جونم تو خیلی مهربونی. مشهد: به نشر.

هاشمی، منیره. (۱۴۰۰). خدا جونم از تو سپاسگزارم. مشهد: به نشر.

هاشمی‌پور، اکرم‌السادات. (۱۴۰۰). خدارو خیلی دوست دارم. مشهد: به نشر.

یاب، ایریس. (۱۴۰۱). کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا (مترجم: مسعود حاجی‌زاده). تهران: صابرین.

References

- * The Holy Quran
- ** Nahj al-Balagha
- ****Ali b. Abi Talib. *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim* (A collection of sayings and wisdom of Imam Ali). [In Arabic]
- Eskandari, H. (1994). The concept of God in children aged 4 to 12 years. *Tarbiyat*, 92. [In Persian].
- Eskandari, H. (2003). God as imagined by children. *Monadi-Tarbiyat*, 1. [In Persian].
- Aghlidi, M. E., et al. (1999). Responses of 10 experts and authors to 6 questions about children's religious literature. *Journal of Children's Literature and Adolescents*, 18. [In Persian].
- Bahonar, N. (2009). Education and the unknown religious world of children. *Islamic Educational Research*, 1(2). [In Persian].
- Bahonar, N. (2020). *Teaching religious concepts* (21st ed.). Tehran: International Publishing Company. [In Persian].
- Jalali, M. (2024). Religious Literature for Children and Adolescents; Theories and Applications. Tehran: Aron. [In Persian].
- Hakimi, M., & Kamos, M. (2003). *Foundations of children's and adolescents' literature* (1st ed.). Tehran: Aron Publishing. [In Persian].
- Khademi, E. (1991). Primary school children's understanding of religious concepts. *Quarterly Journal of Education (Training and Education)*, 27 & 28. [In Persian].
- Khani, M. H., & Tameh, B. (2016). Spiritual styles of children in understanding God: A qualitative study. *Quarterly Journal of Pre-school and Primary School Studies*, 2(5). [In Persian].
- Davoodi, M., Shabani, S., & Shafiei, F. (2016). Foundations, principles, and methods of answering children's questions about God. *Islamic Educational Sciences Quarterly*, 4(6). [In Persian].

- Rahimian, S., Jabareh, M., & Sharollahzadeh, M. (2010). The childlike concept of God in contemporary Iranian and American poetry. *Philosophy of Religion*, 7(8). [In Persian].
- Shokrollahzadeh, S., & Khoshbakht, F. (2012). *Examining ways of understanding God in children's and adolescents' poetry books published by the Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents from 1997 to 2008*. 7(15). [In Persian].
- Shamshiri, B., & Nozari, M. (2011). Damages of religious education for pre-school children from the perspectives of experts in education, psychology, religious sciences, children's literature, and pre-school educators. *Quarterly Journal of Islamic Education*, 6(12). [In Persian].
- Ghorbani, J. (2001). The concept of childhood in the poetic era. *Journal of Children's Literature and Adolescents*, 26. [In Persian].
- Karimi, A. (2020). *Rediscovered childhood* (1st ed.). Tehran: Madreseh. [In Persian].
- Grivani, M. (2021). *And God is near* (5th ed.). Qom: Bustan-e-Kitab. [In Persian].
- Ganji, H. (2021). *General psychology*. Savalan (7th ed.). [In Persian].
- Metaji Amirrood, M. (2017). *God in children's poetry* (1st ed.). Nowshahr: Nasang. [In Persian].
- Mujtahed Shabestari, M. (1999). How to talk about God in the contemporary world. *Journal of Children's Literature and Adolescents*, 4(17). [In Persian].
- Najarian, M. R., Paryan, M., & Qane', F. (2019). Examining the role of spiritual literature for children in their identity formation. *Literary Studies and Text Analysis Research Center*, 7th National Conference on Text Analysis. [In Persian].
- Nozari, M. (2011). Teaching religion in childhood: A critical evaluation of the psychological approach. *Islamic Education Quarterly*, 6(13). [In Persian].
- Yab, I. (2022). *Keys to teaching children about God* (18th ed.) (M. Haji Zadeh, Trans.). Tehran: Saberin. [In Persian].

- Ebrahimi, J. (1986). *Green Garden of Poems* (1st ed.). Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian].
- Ebrahimi, J. (1993). *Water Like Peace* (1st ed.). Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian].
- Ebrahimi, J. (1999). *God is Kind* (3rd ed.). Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian].
- Ebrahimi, J. (2014). *The Birth of Qarqarak* (1st ed.), Tehran: Peydayesh. [In Persian].
- Purohab, M. (1996). *Step by step to God* (1st ed.). Office of Islamic Propaganda of the Qom Seminary, Qom. [In Persian].
- Poets Group (2012). *The Night Came and the Star*. Zeytoun, Tehran. [In Persian].
- Dolatabadi, P. (1998). *On the Boat of Clouds* (2nd ed.). Shiraz: Rahgosha. [In Persian].
- Rahmandoust, M. (1995). *The Music of the Wind*. Madreseh, Tehran (1st ed.). [In Persian].
- Rahmandoust, M. (2007). *What is that? Who is that?* (1st ed.). Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents, Tehran. [In Persian].
- Rahmandoust, M. (2020). *In the Name of My Friend, God* (2nd ed.). Tehran: Peydayesh. [In Persian].
- Alaa, A. (1998). *The Breeze, the Daughter of Wind* (1st ed.). Tehran: Ghadyani. [In Persian].
- Farhadi, P. (2021). *God is Always Here* (2nd ed.). Mashhad: Be Nashr. [In Persian].
- Kashavarz, N. (1996). *Step by step to God* (1st ed.). Office of Islamic Propaganda of the Qom Seminary, Qom. [In Persian].
- Kashavarz, N. (1998). *Whatever You Are, You Are the Best* (1st ed.). Tehran: Soroush. [In Persian].
- Kashavarz, N. (1999). *Apple of the Soul, Greetings* (1st ed.). Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian].

- Kashavarz, N. (2010). *How Wonderful Mom Is* (1st ed.). Tehran: Surah Mehr. [In Persian].
- Kashavarz, N. (2020). *When I Become Wind and Breeze* (1st ed.). Mashhad: Be Nashr. [In Persian].
- Kashavarz, N. (2020). *What a Strange Bag I Have* (1st ed.). Mashhad: Be Nashr. [In Persian].
- Kianoush, M. (1991). *Children of the World* (1st ed.). Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian].
- Kianoush, M., et al. (2013). *Windows of the Sky* (5th ed.). Tehran: Ofogh. [In Persian].
- Mahouti, M. (1999). *What Is This?* (1st ed.). Nasl-e-No Andish. [In Persian].
- Mahouti, M. (2015). *The Child's Shirt* (1st ed.). Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian].
- Mahouti, M. (2017). *The Laugh of Step by Step* (2nd ed.). Tehran: Madreseh. [In Persian].
- Mazinani, M. K. (1996). *Incomplete Poems* (1st ed.). Tehran: Art Field. [In Persian].
- Mazinani, M. K. (1998). *God of the Crickets* (1st ed.). Tehran: Peydayesh. [In Persian].
- Mazinani, M. K. (2000). *I Ran and Ran Until I Reached God* (1st ed.). Tehran: Monadi-Tarbiyat. [In Persian].
- Mousavi Zadeh, S. (2021). *Lift Me Up Like a Cloud* (3rd ed.). Mashhad: Be Nashr. [In Persian].
- Hashemi, M. (2021). *God, I Am Grateful to You* (4th ed.). Mashhad: Be Nashr. [In Persian].
- Hashempour, M. (2021). *God, You Are So Kind* (4th ed.). Mashhad: Be Nashr. [In Persian].
- Hashemipour, A. S. (2021). *I Love God So Much* (4th ed.). Mashhad: Be Nashr. [In Persian].